

یادی از شهید حسین ثابت‌خواه که ۳۴سال پیش

در منطقه بانه به معبود خود پیوست

روزه شهادت

گردآوری: زهرا بیات

حسین ثابت‌خواه، پنجم مرداد ماه سال ۱۳۴۵ در مشهد چشم‌به جهان گشود. کودکی آرام و ساکت بود. برای یادگیری قرآن به مکتب رفت و مقطع ابتدایی را در مدرسه ولی عصر (عج) و دوره راهنمایی را در مدرسه پاسداران گذراند. پس از آن ترک تحصیل کرد. بسیار خوش‌اخلاق و خوش‌برخورد بود. محبت و گذشت را سر لوحه کارش قرار داده بود و دیگران را برای انجام کارهای خوب تشویق می کرد. از جمله خودش به سالخورده‌گان و پدر و مادرش بسیار احترام می‌گذاشت و می‌گفت: «باید به آن‌ها کمک کنیم، دستشان را بگیریم و به آن‌ها احترام بگذاریم.» فاطمه رجبی، مادرش می‌گوید: «در ماه مبارک رمضان مریض شدم. او از من پرستاری می‌کرد و در موقع افطار برایم آب میوه می‌آورد. می‌گفت: شما باید استراحت کنید تا هرچه زودتر حالتان بهتر شود. من نمی‌توانم زحمت‌های شما را جبران کنم. دوست دارم شما را به مکه ببرم.»

● فرزند انقلاب بود

در درس‌ها به پیچه‌ها کمک و آن‌ها را به خواندن درس تشویق می‌کرد. حتی در مسائل مذهبی، مثل روزه، آن‌ها را تشویق می‌کرد و هر کس که روزه می‌گرفت به او جایزه می‌داد. با این کار بچه‌ها به نماز و روزه اهمیت می‌دادند.

علاقه خاصی به دعای توسل داشت. هر شب چهارشنبه دعای توسل را در حرم مطهر امام رضا (ع) می‌خواند. در اوایل انقلاب (زمانی که فقط ۱۰ سال داشت) شب‌ها در خیابان اعلامیه پخش می‌کرد، شعار روی دیوارها می‌نوشت و در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد بسیج شد و دوره تیراندازی دید. عشق و علاقه او به بسیج باعث شد که در سال ۱۳۶۰ وارد تشکیلات سپاه شود، ولی به دلیل کمی سن نمی‌توانست عضو رسمی تشکیلات

سرا انجام مرا به مکه برد

فاطمه رجبی، مادر شهید

او آرزو داشت مرا به مکه ببرد. بعد از شهادتش خواب دیدم که با لباس سیاه و با یک خانم سیده (که پوشیه زده بودند) به خانه ما آمدند. گفت: «مادر بلند شو که می‌خواهیم به مکه برویم. هر چه زودتر کارهایتان را انجام دهید.» گذرنامه و لباس‌هایم آماده بود. آن‌ها مرا به مکه بردند. ابتدا به قبرستان بقیع در مدینه رفته‌یم وقتی می‌خواستیم به حرم پیغمبر (ص) برویم، از خواب بیدار شدم. نوه کوچکم که مریض بود، مرا از خواب بیدار کرد. صبح زود به حرم امام رضا (ع) رفتم و او را به جان جوادش قسم دادم که مرا ناامید نکند. سپس کارها طوری درست شد که بعد از چند روز به مکه مکرمه مشرف شدم.

جنگ مهم‌تر است

محمد ثابت‌خواه، پدر شهید

در بیمارستان بستری بود. وقتی برای ملاقات رفتم، مادر شهید گریه می‌کرد. گفت: برای من گریه‌ه نکند. برای هم‌زمان دیگرم گریه کنید. حال آن‌ها از من بدتر است. با اینکه شیمیایی شده بود، بسیار دلیر و فعال بود. گروهی برای مصاحبه آمده بودند، او گفت: «هاتمی ترسیم و جبهه‌ها را خالی نمی‌گذاریم. با اینکه چشم‌هایم کور شده است و شما را نمی‌بینم، ولی ما روحیه‌مان را از دست نمی‌دهیم.» در مقابل مشکلات صبور بود و سعه صدر داشت. جنگ را اولویت آن روزها می‌دانست طوری که وقتی برای عروسی خواهرش به او تلفن زدیم که به مشهد بیایید، گفت: «جبهه واجب‌تر است.» یا وقتی که از او می‌خواستم ازدواج کند، می‌گفت «فکار وقتش نیست، جنگ مهم‌تر است.»

چرایی جنگ پس از فتح خرمشهر

محمدجواد اکبرپورپارزگانی پژوهشگر تاریخ جنگ ایران و عراق

ایران با محاسبه و بررسی ملاک‌های نظامی موظف و بلکه مجبور بود به جنگ ادامه دهد. در توضیح این اجبار، همان‌طور که گفته شد، پس از فتح خرمشهر هیچ‌گونه پیشنهادی برای صلح از هیچ مجمع رسمی و بین‌المللی ارائه نشد و پیشنهادها تنها در حد آتش‌بس بود. از جنبه نظامی نیز وضعیت زیر حاکم بود که در آن وضعیت پذیرش آتش‌بس غیرعقلایی و خلاف اصول نظامی بود. ۱-ار تفاعات ای داغ، قلاویزان، بمبمک و مهریز در اختیار عراق بود و دشمن بر شهرهای قصر شیرین و مهران

که ایشان مسئول تعاون سپاه هستند، بعدا فهمیدیم. آن زمان ما در ساختمان تازه‌سازی زندگی می‌کردیم که پنجره‌هایش شیشه نداشت و پلاستیک زده بودیم. همسرم در جبهه بود پس به برادرم گفتم: شما که در تعاون سپاه هستید، می‌توانید برای این ساختمان شیشه فراهم کنید؟ بسیار ناراحت شد و گفت: من از شما توقع نداشتم، چون آن وسایل مال بیت‌المال است و نمی‌توانم کاری انجام دهم. چند روز بعد عده‌ای از خواهران سپاه برای سرکشی به منزل ما آمدند که اگر کمبودی است برایم رفع کنند، ولی من به آن‌ها گفتم: کمبودی نداریم. وقتی که این ماجرا را برای برادرم تعریف کردم، بسیار خوش حال شد. گفت: آفرین. در زندگی قانع باشید. آن وسایل باید به دست خانواده‌هایی که احتیاج بیشتری دارند برسد. او از مسئولیتش هیچ وقت سوءاستفاده نمی‌کرد.»

● خودش را شهید می‌دید

با شروع جنگ تحمیلی برای رضای خدا به جبهه رفت. می‌گفت: «رفتن به جبهه تکلیف است. باید همه به جبهه بروند و جبهه را خالی نگذارند باید از مملکت دفاع کنیم و به فکر اسلام و دین باشیم. اگر ما به جبهه نرویم پس چه کسی باید به جبهه برود؟» هر جا که عملیات بود، سریع خودش را به آنجا می‌رساند. خیلی کم در مرخصی می‌ماند و دائم در منطقه بود. در عملیات‌های مختلفی چون عملیات میمک، بدر، کربلای دو، کربلای چهار و فتح پنج حضور داشت. در کربلای دو و رئر اصابت ترکش به شدت مجروح شده بود که پس از بهبودی نسبی دوباره به جبهه رفت. حدود ۲سال در مهاباد با شهید کاوه بود. بعد از مدتی برای خدمت به مردم مستضعف و محروم کرمانشاه به عنوان مسئول قرارگاه رمضان به آنجا رفت. خواهر شهید می‌گوید: «تماشگاه‌هایی که

می‌خواست دوباره به جبهه برگردد

حسین یخشی، هم‌رزم شهید

در عملیات کربلای چهار مجروح شده بود. موقع برگشتن به پشت جبهه او را دیدم. جلو رفتم که او را به بغل بگیرم. حالت خاصی به ایشان دست داد. گفتم: چه شده؟ گفت: چیزی نگویید که ترکش خورده‌ام. او مجروح‌حیش را از همه پنهان کرده بود که مبادا او را به عقب بفرستند. در بیمارستان هم که بستری بود، طوری وانمود می‌کرد که سالم است و دوست داشت دوباره به جبهه برود.

منبع: فرهنگ‌نامه جاودانه‌های تاریخ (زندگی‌نامه فرماندهان شهیداستان خراسان) نوشته سید سعید موسوی، نشر شاهد، تهران- ۱۳۸۵



تهدیدی علیه تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شد.

۴-با توجه به باقی ماندن شاکله کلی ارتش عراق، خطر حمله دوباره به خاک ایران وجود داشت و نبودن تضمین بین‌المللی و منطقه‌ای برای جلوگیری از تجاوز مجدد عراق به ایران، بر اهمیت و جدی بودن تهدید و خطر می‌افزود. بنابراین تدبیر و اندیشه نظامی حکم می‌کرد تا مانی که دشمن خطرناک بود و امکان تجاوز او وجود

داشت، باید او را تا حدی که امکان تجاوزش برطرف شود به عقب راند. همچنین باید از برتری نظامی خودی برای ایجاد فضای مناسب برای برقراری صلح با ثبات استفاده کرد. کاری که ایران به آن پرداخت.

● ارزیابی قابلیت‌های نظامی ایران برای ادامه جنگ

چه حقیقتی آشکارتر از اینکه ایران در مدت ۲۰ ماه توانست طی عملیات‌های بزرگی همچون ثامن‌الامنه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس ۸۰۵۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های اشغال شده را آزاد کند و بیش از ۳۵هزارو ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت در آورد و ۱۸هزار تن از آنان را نیز به هلاکت رسانده یا زخمی کند. آیا این‌ها حاکسی از قابلیت‌های نظامی و توانایی رزمی ایران نبود؟ در حقیقت تجربه ۲۰ ماه مقاومت و دستاوردهای آن نشان داد که ما توان کافی برای تداوم جنگ تا حصول نتیجه لازم را داریم تا بتوانیم حقوق خود را مطالبه کنیم و یک صلح پایدار در منطقه مستقر سازیم.

وقتی قسمت شهادت باشد

یک سرباز شمالی را فکر کنم به نام مسعودی-واگذار کردند به دسته بهداری. این بچه از موقع ورود به بهداری و برخورد با اولین مجروح شهید حالش بد شد. دست برقضا در یکی دو روز اول ورود او هم مرتب مجروح و شهید داشتیم. این سرباز از خون می‌ترسید و اصلا برای کمک کردن جلو نمی‌آمد، می‌گفت: «من از خون می‌ترسم و حالم بد می‌شود.»

می‌گفتم: «عادت می‌کنی.»

حدود یک هفته گذشت، اما عادت نکرد که هیچ. از غذا خوردن هم افتاد. غذا نمی‌خورد و مرتب گریه می‌کرد که «جای من را عوض کنید، بروم گروهان ارکان که هیچ خونی نیست، آنجا خدمت کنم.» هر چه نصیحت کردیم، نشد که او را قانع کنیم که در بهداری بماند. بالاخره با سرگروهیان -فکر کنم جناب منتصری بودند- در گروهان ارکان صحبت کردیم و او قبول کرد که این سرباز در ارکان خدمت کند. بنا شد کمکی تانکر آب باشد و از خرمشهر آبگیری کنند و در ارکان تحویل بدهند. او رفت و برای آبگیری تانکر، نیروی کمکی استوار ابراهیم رسولی شد. پس از چند روز دیدمش. خیلی خوش‌حال بود و راضی، اما زیاد طول نکشید؛ در یکی از روزها که سرگرم آبگیری بودند، دشمن بعضی محل آبگیری را تانکرها را گلوله باران کرد و این سرباز، همراه با استوار رسولی به شهادت رسیدند. ماتم زده و غمگین بودم، اما چه می‌شد کرد؛ سرنوشت سرباز مسعودی شهادت بود.

نقش خراسان

در عملیات «بیت المقدس»

محمد مهربانی‌فر



عملیات «بیت‌المقدس» در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با رمز «یا علی‌ابیطالب (ع)» در غرب رودخانه «کارون» و «خرمشهر» آغاز و تا سوم خرداد که به آزادسازی «خرمشهر» انجامید، ادامه داشت. این عملیات به صورت گسترده و با فرماندهی مشترک سپاه پاسداران و ارتش در منطقه‌ای به وسعت ۵۳۸ کیلومتر مربع انجام شد. رزمندگان خراسانی عملیات در «بیت‌المقدس» دو‌شادوش دیگر رزمندگان اسلام در خلق حماسه فتح «خرمشهر» حضور تعیین کننده‌ای داشتند. تیپ سوم شهید از لشکر ۷۷ پیروز ثامن‌الامنه (ع) از جمله یگان‌های عمل کننده در این عملیات بود. این تیپ به فرماندهی سرهنگ «علی اصغر اسلوبی» در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۱، بنا به دستور فرمانده ارتشی قرارگاه «کربلا» امیر سیهبد شهید «علی صیادشیرازی» در قالب قرارگاه عملیاتی «فجر ۳» به فرماندهی «عظیم‌ازگمی» همراه با تیپ امام سجاد (ع) قسم و تیپ ۳۳ المهدی (عج) از منطقه استقرار ی خود در «فکه» منطقه پدافندی «فتح‌المبین» به منطقه عملیاتی «بیت‌المقدس» منتقل و برای جبران کاهش توان رزمی و کمبود نیرو برای آزادسازی «خرمشهر» در مرحله چهارم عملیات در غرب رودخانه «کارون» مستقر شده و یگان‌های دیگر جایگزین آن‌ها در «فکه» می‌شوند.

در این عملیات علاوه بر تیپ سوم لشکر ۷۷ پیروز ثامن‌الامنه(ع)، توپخانه، مهندسی و پشتیبانی این لشکر نیز در پیروزی این عملیات نقش مهمی داشتند. سرهنگ دوم «عظیم فاضلی» فرمانده گردان ۱۴۸ پیاده، شهید شاخص تیپ سوم لشکر ۷۷ در عملیات «بیت‌المقدس» است.

تیپ مستقل ۲۱امام رضا(ع) یکی دیگر از یگان‌های خراسانی است که در عملیات «بیت‌المقدس» شرکت داشت. یگان‌های رزم سازمان یافته سپاه خراسان به‌ویژه تیپ ۲۱امام رضا (ع) در کنار رزمندگان جهادگر قرار به ۲۰ گردان نیروی رزمی اعم از سازمان یافته در یگان‌های خراسان یا مأمور به یگان‌های دیگر همچون لشکر ۱۴ امام حسین (ع) را تشکیل می‌دادند که در مراحل مختلف عملیات به صورت مستقل یا مأمور به دیگر یگان‌ها وارد عمل می‌شدند. این تیپ به فرماندهی «محمدمهدی خادم‌الشریعه» در سازمان رزم قرارگاه «قدس» ۱۳۱ گردان نیرو و یک گروه ویژه در قالب قرارگاه «۲س» سازمان دهی شده و در مراحل مختلف عملیات اجرای مأموریت می‌کرد. برخی از این گردان‌ها ۲ تا ۳ توبت نیروهای خود را بازسازی و به‌کارگیری کردند.

بعد از شهادت «محمدمهدی خادم‌الشریعه» فرمانده تیپ ۲۱امام رضا(ع) در ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۶۱ در «ایستگاه حسینیّه» و در آستانه فتح «خرمشهر»، «ولی‌ا. چراغچی» فرماندهی تیپ را برعهده گرفت و ادامه مأموریت داد. یکی از ویژگی‌های مهم و شگفت‌انگیز رزمندگان خراسانی در این عملیات، گسترش و جابه‌جایی در منطقه وسیع عملیاتی از شمال جبهه در منطقه «کرخه‌کور» تا جنوب منطقه «خرمشهر» بود. تیپ ۲۱ امام رضا (ع) در محور شمالی قرارگاه «قدس» با هدف عبور از رودخانه «کرخه»، تصرف سرپل در جنوب آن و جلوگیری از تمرکز آتش دشمن، با تیپ‌های مستقل ۳۱ عاشورا، ۳۷ نور و ۴۱ ثار... از سپاه و لشکر ۱۶ رزمی و تیپ مستقل ۵۸ ذوالفقار از ارتش قرار داشتند. از جمله نتایج عملیات در محدوده عملیاتی تیپ ۲۱ امام رضا (ع) می‌توان به مر حله سوم عملیات اشاره کرد که این تیپ توانست ضمن تصرف خاکریز مرزی ایران، در مسافتی به طول ۱۶ کیلومتر در شمال جاده حسینیّه گسترش یابد و ضمن مواجهه با پاتک‌های دشمن، تلفات زیادی را بر دشمن وارد و ادوات، تجهیزات، سلاح و مهمات زیادی را به غنیمت درآورد.

تیپ جوادالامنه (ع) نیز هم‌زمان با عملیات «بیت‌المقدس» دفاع از منطقه عملیاتی «جاذبه» را برعهده داشت. جهاد سازندگی خراسان نیز که از نخستین واحدهای جهادی مشارکت کننده در دفاع مقدس بود، در عملیات «بیت‌المقدس» به فرماندهی جهادگر شهید «هاشم ساجدی» نقش بسزایی داشت؛ در این عملیات ۲ تیپ مهندسی رزمی جهاد حضور داشت. جهادگر شهید «حسین شوریده» از بنیان‌گذاران جهاد سازندگی و از جمله فرماندهان شهید جهاد خراسان بود که در عملیات «بیت‌المقدس» نقش مهمی داشت.

روزنامه شهرامشید وزندگی

۲شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۲ ۱۳۶۰ شمسه

SHAHRAANNEWS.IR

پایگاه خبری

پایگاه خبری

پایگاه خبری

پایگاه خبری

پایگاه خبری

پایگاه خبری

پایگاه خبری

گفت: «ما نمی‌ترسیم وجبهه‌ها را خالی نمی‌گذاریم. با اینکه چشم‌هایم کور شده است وشمارا نمی‌بینم، ولی ما روحیه‌مان را از دست نمی‌دهیم.»



محمدحسین حاجی‌آقایی تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰ نام گلزار: بهشت‌رضا(ع)



غلامحسین اسماعیل‌زاده تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۰۷/۰۱ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰ نام گلزار: بهشت‌رضا(ع)



سیدعلی احمدی‌فخرزاد تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۶/۰۹ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰ نام گلزار: بهشت‌رضا(ع)



مسعود سام تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱۲/۱۰ محل تولد: مشهد تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۰۲/۱۰ نام گلزار: خواجه ربیع

شهیدی هفته

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱

منطقه عملیات:

جنوب- فکه

نوع یا نام عملیات:

پشتیبانی بیت‌المقدس

یگان‌های شرکت کننده:

ارتش، هوانیروز و سپاه

نتیجه عملیات:

تصرف تپه ۱۸۲، ۷۰۰ نفر اسیر و انهدام ۶۵۰ تانک و نفربر، ۱۵ خودرو، ۱۴ فروند هواپیما و ۲ بالگرد و ۱۰۰ دستگاه تانک و نفربر عراق به غنیمت گرفته شد.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

منطقه عملیات:

جنوب- پل کرخه

نوع یا نام عملیات:

تپه چشمه

یگان‌های شرکت کننده:

ارتش، هوانیروز و سپاه

نتیجه عملیات:

تصرف ارتفاع تپه چشمه، ۲۱۰ کشته، ۱۰۰ زخمی، ۱۲۶ اسیر، انهدام ۲ دستگاه تانک، ۳ قبضه خمپاره‌انداز، ۲ دستگاه خودرو دشمن.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۳

منطقه عملیات:

شمال خلیج فارس

نوع یا نام عملیات:

نبرد شمشیر ۲

یگان‌های شرکت کننده:

نیروی دریایی ارتش

نتیجه عملیات:

ناوچه «شمشیر» از جمله ناوهای کلاس یکان نیروی دریایی است که در این عملیات ضمن انهدام یک فروند ناوچه ازدرافکن عراقی، ۱۲ نفر از نیروهای دشمن را کشته و ۱۳ نفر دیگر را نیز به اسارت درآورد.